

## «احضار» چه نمره‌ای می‌گیرد؟

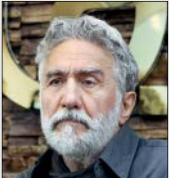


۶ از ۱۰



۷ از ۱۰

**تخشید:** سه نمره کسرشده بیشتر به دلیل مسائل پیرامونی بود. اگر وقت کافی داشتیم و به کرونا برخورد نمی‌کردیم این سریال ظرفیت داشت خیلی از این‌که دیدیم بالاتر باشد. پیشنهاد دادیم اگر می‌خواهید کار با حوصله‌تر جمع شود نیاز به ۱۲، ۱۳ قسمت دیگر دارد. اگر پذیرفته شده بود شاید الان راضی‌تر بودیم.



۷ از ۱۰



همین تازگی‌ها بود که سریال «احضار» شبکه یک بعد از مدت‌ها پای ادبیات افخمی که با «او یک فرشته بوده» به شکلی پایه‌گذار حضور شیطان در خیلی داستان احضار هم با انعکاس ماجرای دعوت از یک روح که در ادامه شیطان را عنوان پربیننده‌ترین سریال این مقطع را به خود اختصاص دهد مادر کنار آ روز میزبان احضاری‌ها باشیم و از کم و کیف این صحبت‌ها و ابهاماتی که دربار آذرمگین، غزال نظر و آدرینا صادقی که نقش‌های اصلی این قصه را به‌عهده داشتند، در این دوره می‌ص

### با احضار به دسته یک برگشتیم

شخصیتی که ما از مرادی می‌بینیم این تردید را به مخاطب منتقل می‌کند که او ممکن است خطاکار باشد مثل سکانس خیره‌و موارد دیگر. این چقدر تعمدی بوده و می‌خواستید چنین بازی‌ای وجود داشته باشد؟
توکلی: این موضوعی است که آقای افخمی باید بگویند اما در حیطه بازی، هدایت‌های او باعث شکل دادن این فضا شد. در ابتدا من اصلا نمی‌دانستم قرار است چطور این نقش را بازی کنم و راهنمایی‌های او به آن رسیدم. حتی در ادامه هنوز نمی‌دانستم چرا باید این بازی را انجام دهم اما با اشار شما بیشتر متوجه می‌شوم که این فرم بازی چقدر درست نشسته است.
افخمی: واقعیت این است که چنین فضایی مدنظر من نبود و مک‌ث‌ها و حالاتی که از آن گفتید، فرم بازی رضا است که خیلی وقت‌ها بازی او را زنده می‌کند و گاهی هم من با آن مشکل داشتم و می‌گفتم که طولانی است و دوباره بگیریم. تلاش من همیشه این بود که مرادی فرد صاف و ساده و سلامتی باشد در سکانسی که او پیش از مجلس خواستگاری با مانده حرف می‌زند، کاملا نگاه پدرا نه‌اش را می‌رساند همچنین اصرارش برای عدم دریافت وکالت هم با این هدف بود تا در نهایت وقتی مورد هجوم شیطان و مانده قرار می‌گیرد، بیننده دلش برای او بتپد و اگر این تردید در اصل قصه وجود داشت، تأثیر هما صحنه‌هایی که او مورد اتهام قرار می‌گیرد، کم می‌شد و من اصلا دنبال چنین چیزی نبودم.
توکلی: در نقش من فرمی بازی کردم که بله، گاهی این شک را ایجاد می‌کند؛ البته آقای افخمی مخالف بود و همان‌طور که گفته شد در مواردی جلویم را می‌گرفت اما این اتفاق در بازی‌ام هست. با همه این‌ها من جلوی دوربین آقای افخمی مثل یک موم هستم که با هدایت او بازی‌ام شکل می‌دهم.

افخمی: گاهی من سر صحنه از آن‌جا که در شرایط سخت زمانی بودیم، اعتراض می‌کنم که چرا این مکث زیاد شده و این موارد و او جواب جالبی می‌دهد....

**توکلی:** بله، می‌گویم من الان از دسته ۳ به دسته یک آمدم و همراهی با این تغییر گروه با وجود دوباره برگشتن دسته یک.

می‌برد. (با خنده)

**آقای توکلی، شما پیش از این هم بازی در چنین ژانری تجربه کرده‌اید و در «او یک فرشته بوده» هم نقشی کاملا مثبت داشتید. بازخوردهایی که از ایفای این نقش گرفتید چه بود؟**

**توکلی:** بازخوردها به شدت مثبت بود. برخی سلاتوای داشتند که من آنها را به آقای افخمی منتقل می‌کردم.

چند سالی بود با ایشان کار نمی‌کردم و به دسته ۳ رفته بودم. با احضار دوباره برگشتن دسته یک.

**خاطرم‌ان هست یک بار گفته بودید قصد دارید اثری د همین فضا کارگردانی کنید. به کجا رسید؟**

یک کار در ژانر وحشت ساختم، اما زیاد ترسناک نشد. بیشتر کمدی از آب درآمد! خواستم از روی دست آقای افخمی تقلب کنم که نشد. هر که فیلم را دید، خندید. کار متعلق به یکی از شهرستان‌ها بود. دیگر آن را نپنهان کردم که کسی نبیند (می‌خندد).

### انتخاب نمادهای اتاق احضار

**نمادهایی که در اتاق احضار این سریال هم به کار گرفته شد، توجه زیادی را به خود جلب کرد اما پرداخت خاصی به آنها نشد و در انتها فقط بیان شد که اینها نمادی از شیطان هستند. از جریان انتخاب این فضا بگویید.**

**افخمی:** اصلی‌ترین نمادی که در طول کار روی آن تأکید شد، چشم جهان بین بود که به چشم شیطان هم معروف است. بقیه نمادها هم در ادامه با آقای شریفی و من با جست و جو در اینترنت و مطالعه درباره آنها انتخاب شدند. خیلی از آنها نماد فرقه‌های جادوگری و برخی فرقه‌های دیگر مثل فراماسونری هستند. البته من قصد این نبود که بگویم در چنین فضایی صرفا از این نمادها استفاده می‌شود.

اتفاقا اوایل حتی آیه قرآن هم گذاشتم چون می‌خواستم بگویم آدم‌هایی که سراغ این جریان می‌روند تنها افراد لامذهب و بی‌اعتقاد نیستند. به همین دلیل در همان قسمت‌های اول مینو بیان این‌که حاج خانم دارد می‌آید از منشی‌اش می‌خواهد که دکور را با آیه قرآن تغییر دهد. با همه اینها عموم نمادها مربوط به فرقه‌های مختلف است.

**افخمی:** کمبود وقت و کرونا از دلایل این نمره است. همچنین فیلمنامه هم در این مجموعه ناقص بود و تصمیم دارم در کار بعدی حتما فیلمنامه را قبل از شروع فیلمبرداری آماده کنم. چون گاهی ظرافت‌هایی که به عنوان کارگردان باید در کار حفظ کنم به دلیل آن‌که ذهنم درگیر نوشتن فیلمنامه فردا بود، رعایت نمی‌شد.

### مآنده را درک نمی‌کردم

**مآنده در داستان دو روی متفاوت دارد، یکی چهره مهربان و آرام اوست و دیگری هم وجهی است که در مواقع عصبانیت از او می‌بینیم. این تجربه به عنوان اولین کار تصویری برای خودت چطور بود؟**

**آدرینا صادقی:** شخصیت مآنده خیلی از آدرینا دور است و زمانی که بار اول آقای افخمی این شخصیت را برای من توضیح دادند، من کمی از آن ترسیدم و چون خیلی از آن دور بودم، ابتدا درکش نمی‌کردم حتی وقتی در شمال بودیم هم این قضیه ادامه داشت و می‌گفتم خوب تو داری که داری، چه لزومی دارد آن را در چشم بقیه فروکنی اما وقتی که برگشتیم و لوکیشن خانه مانده و دیگر خبری از دوستانش نبود، باعث شد تا بیشتر با مآنده زندگی کنم. زندگی با مآنده باعث شد خیلی از ویژگی‌های شخصیتی او را درک کنم، مثلا او با پدرخوانده‌اش حرف می‌زند و خیلی هم دوستش دارد اما دائم به او یادآوری می‌شود که تو فرزندخوانده منی و این خلا همیشه در مآنده هست. به همین دلیل این گرایش را به کامرانی و فرهاد دارد. یعنی دلپستی‌ای که سریع پیدا می‌کند و برای مخاطب هم میزان آن عجیب و سوال است، به همین خلا برمی‌گردد. از سوی دیگر او برادری دارد که خیلی از خودش کوچک‌تر بوده و اینجا هم انگار او محبت مادرش را به برادرش داده است. در این بین تنها چیزی که برای مآنده می‌ماند، زهره است که می‌خواهد او را همیشه داشته باشد.

**برای همین شاهد چنین ارتباطی بین او و زهره هستیم؟**

بله، برای همین است که وجه دیگر مآنده که از آن گفتید و می‌بینیم مدام حالت التماس طوری نسبت به زهره دارد، به این دلیل است که تنها دارایی او زهره است. از طرفی هم مآنده فرد خشمگینی نیست بلکه می‌خواهد توجهی را داشته باشد که یا با پولش به دست می‌آورد و اگر نتیجه نگیرد با زور می‌خواهد به دست بیاورد، برای همین است که او گاهی عصبی و گاهی مهربان است.

**پس نزدیک شدن به این شخصیت برایت سخت بود و زمان برد.**

درست است، در ابتدا همان‌طور که گفتم نسبت به مآنده و شخصیتی که دارد، گارد داشتم اما در ادامه وقتی بیشتر او را شناختم، باعث شد که دوستش داشته باشم و بعد از این علاقه توانستم درکش کنم و واقعا وقتی مآنده حتی کار غلطی انجام می‌داد و مثلا در مقابل ناپدری‌اش می‌ایستاد من ایرادی از او نمی‌گرفتم که مآنده چرا این کار را می‌کنی، چون او عشقی واقعی به کامرانی داشت و هر کس دیگری هم جایش بود، وقتی آن همه حرف را که بخشی از آن درست از آب درآمد از کامرانی می‌شنید، آنها را باور می‌کرد.

**رضا توکلی:** در واقع در این داستان شیطان از خلا کمبود محبت استفاده می‌کند و درست دست روی نقاطی که گرفتار این خلا است می‌گذارد.

**بازخوردهایی که خودت از این نقش گرفتی چطور بود، چه از نظر باورپذیری بودن و چه از لحاظ شیوه بازی**

**که داشتی؟**

**صادقی:** به نظر من مآنده در این داستان خیلی شخصیت واقعی دارد تا حدی که هر آدم معمولی در جامعه می‌تواند چنین ویژگی‌هایی را داشته باشد. حتی بازخوردهایی که گرفتم هم نشان از این جریان داشت با وجود آن‌که ابتدا فکر می‌کردیم ممکن است منفی باشد اما همه مآنده را برخلاف چیزی که حتی تصور خودمان بود، خیلی دوست داشتند چون او به خیلی از کسانی که دور و اطراف ما هستند نزدیک‌تر است.

### خانواده معیار نداریم

**یکی از شخصیت‌هایی که قصه‌اش در سریال ارتباطی با قصه اصلی نداشت و از جایی به بعد رها می‌شود، حامد است. در قسمت آخر فقط یک سکانس از او می‌بینیم. این شائبه ایجاد می‌شود که شاید شما محدودیتی در مورد نشان دادن خانواده تک‌فرزند داشتید و می‌خواستید حتما علی‌اکبر بیش از یک بچه داشته باشد؟**

**افخمی:** این گونه نیست. می‌خواستم بگویم در خانواده‌های مذهبی و معتقد هم بچه‌هایی پیدا می‌شوند که از مدار خارج می‌شوند و اشتباه می‌کنند. یکی از دوستان تعریف می‌کرد هر فیلمنامه‌ای را برای تصویب می‌برده، می‌گفتند خانواده معیار در این قصه کدام است؟ او هم پاسخ داده است میان پیامبران، یک خانواده معیار نشان بده تا من هم در سریالم داشته باشم. شما زندگی حضرت نوح، حضرت لوط و... را نگاه کنید!

**علی‌اکبر هم جزو آن شخصیت‌هایی است که در قصه شما خوب مطلق نشان داده شد و همین موضوع باعث می‌شود مخاطب خیلی زود تکلیفش با این شخصیت روشن شود و شاید نتواند ارتباط عمیقی به عنوان یک آدم بی‌نقص برقرار کند. چرا او را این‌گونه تصویر کردید؟**

**افخمی:** این مقاومت که در مقابل شخصیت مطلقا خوب وجود دارد، برای من عجیب است و فکر می‌کنم مربوط به جامعه و فرهنگ بینندگان ماست. یک مثال می‌زنم: در فیلم بر باد رفته که خیلی‌ها آن را دیدند، شخصیتی به اسم ملانی وجود دارد که نماد خوبی است و دائما دارد مهربانی و از خودگذشتگی می‌کند. هیچ‌کس نمی‌گوید ملانی باورپذیر نیست. همه او را می‌پذیرند، اما به فیلم‌های ما که می‌رسد می‌گویند غیرقابل باور است.

**این به دلیل ویژگی‌های تکرارشونده و کلیشه‌ای است که اغلب در ظاهر و اخلاق شخصیت‌های مثبت سریال‌های ایرانی دیده می‌شود و مخاطبان را زده می‌کند.**

**افخمی:** ممکن است این‌طور باشد، ولی این موضوع همچنان برای من سوال است چرا هیچ‌کس این اشکال را به آثار خارجی نمی‌گیرد اما به ما که می‌رسد آسمان می‌تپد! مثلا شخصیت زهره مطلقا خوب نیست و همان‌طور که خانم آذرمگین گفتند هزارتا ایراد دارد ولی در مورد شخصیت زهره هم برخی می‌گویند او کاملا مثبت نشان داده شده‌است!

**توکلی:** جالب است هر کس که من را می‌دید، می‌گفت یک کم ما را نصیحت کن (می‌خندد)! می‌گفتم من خودم نیاز به نصیحت دارم. چون این آثار را از من دیده بودند، برداشت‌شان از شخصیت‌ام این بود.



### نمی‌خواستیم دستمان زود رو شود

**سریال احضار با وجود آن‌که قبل‌تر هم شیطان را در قالب‌های مختلف دیده بودیم، عنوان پرمخاطب‌ترین مجموعه این روزها را به خود اختصاص داده. با چه نگاهی سراغ خلق چنین فضایی رفتید تا با کلیشه و تکرار کمتری روبه‌رو شویم؟**

**علیرضا افخمی:** دوری از کلیشه‌ها یا تلاش برای مشابهت نداشتن خیلی آگاهانه صورت نمی‌گیرد و آنچه اهمیت دارد این است که تماشاگر از ابتدا حدس نزند یا مطمئن نشود که این شخصیت واقعا روح کامرانی نیست. من فکر می‌کنم در طول نوشتن، اصلی‌ترین هدفم همین بود و سعی داشتم بیننده تا حداکثر زمان متوجه نشود که این روح کامرانی نیست و فکر کند که او روح سرگردانی است که به دلیل وابستگی به دنیا و کارهای ناتمامش در دنیا مانده است.

**و فکر می‌کنید چقدر موفق بودید؟**

این جریان تا حد زیاد اتفاق افتاد و من هم به دنبالش آن بودم که بیننده مدام درگیر باشد و او همان کامرانی است که شاید تبدیل به روح خبیثی شده است. در سومین مقطع هم باید روشن می‌شد که او شیطان است. همچنین در «او یک فرشته بود» ما زنی را در کالبد شیطان داشتم که موجود بیگانه‌ای بود و ناگهان در یک جاده پیدا می‌شد اما اینجا شیطان در قالب مردی بود که هویت خودش را داشت و این سریال تفاوت‌های این چنینی داشت که به‌نظم همین برای آن‌که مشابهت‌هایی پیدا نشود، کافی بود.

**اما از ابتدا هم تردیدهایی بود که باعث می‌شد مخاطب نگاه مثبتی به ماجرا نداشته باشد، مثل این‌که شخصیت‌های مثبت قصه با این احضار موافق نبودند و می‌شود گفت بیننده از ابتدا حدس می‌زند که اتفاق خوبی در حال رخ دادن نیست. یا طیف قریزی که در فضا استفاده شده بود و انعکاس آن را می‌دیدیم.**

ما اصلا هاله قریزی دور روح کامرانی نداشتیم و آن نور محیط بود. در او یک فرشته بود از ابتدا تصمیم گرفتیم که شیطان را با این نور مشخص کنیم اما اینجا این‌طور نبود بلکه تنها شاید در موقعیت‌هایی به دلیل فضا، او در جایی می‌ایستاد که انعکاس نور روی صورتش بیشتر بود اما چنین طراحی برای این موضوع وجود نداشته است.

**فکر می‌کنید که این تعلیق ادامه داشت؟**

مخاطب ما خیلی هوشمند است و از سوی دیگر تا اسم من به‌عنوان کارگردان می‌آید، بیننده حدس می‌زند که قرار است با شیطان سرو کار داشته باشد، همه این‌ها کار من را سخت‌تر می‌کند. با این حال همه تلاشم را کردم و باز هم ممکن است از اول قصه عده‌ای با دیدن اسم و شنیدن بحث احضار بگویند که قرار است شیطان را ببینیم ولی هیچ‌کدام از این‌ها نمی‌تواند باعث شود که ما به دلیل آن‌که عده‌ای چنین حدس و یقینی را دارند، از چنین سوزِ جذابی بگذریم چون به نظرم اکثریت مخاطبان نمی‌توانستند در رسیدن به این بقیین از ابتدا موفق باشند.

### خیلی‌ها کار را ندیده، نقد کردند



**شما سال‌هاست که در حوزه تهیه‌کنندگی فضاهای مختلفی را تجربه کرده‌اید اما ژانر ماورا مثل احضار همیشه**

**قضاوت‌ها و جنجال خودش را دارد. برای این مجموعه چقدر به این موارد برخورد کردید و اذیت‌کننده نبود یا مانع کارتان نشد؟**

**محمودرضا تخشید:** در این فضا می‌شود از دو نوع کار گفت؛ بعضی مجموعه‌ها از جنس داستان‌های معمولی است که خیلی واکنش‌زا نیست، مواردی که زیاد هم است مثل ملودرام‌های خانوادگی و... اما بعضی از کارها که تولید می‌شود با خودشان واکنش هم می‌آورند مثل سرزمین کهن که حتی جلوی پخش آن گرفته شد. به نظر من کارهایی که پر از بازخورد چه مثبت و چه منفی است، تأثیر بیشتری هم‌ر روی مخاطب می‌گذارد چون آن آثاری که واکنش ندارد، ممکن است آنقدر داستان معمولی داشته باشد که یک‌سال یا حتی چند ماه بعد فراموش شود.

در این بین معمولا کارهایی که در ژانر ماورایی شکل می‌گیرند و چند مورد آن را در کنار آقای افخمی داشتم و تعداد دیگری هم با گروه‌های مختلف در شبکه‌های دیگر کار شد، معمولا یکی از آن ژانرهای واکنش‌زااست.

**چرا اصلا این نگاه و اتفاق با این ژانر وجود دارد؟**

چون این دست قصه‌ها در کنار فضایی که دارند، از طرفی به مسائل دینی پهلوی می‌زنند. در این مجموعه کمتر ولی در تجربه‌های دیگری که در این قالب داشتم خیلی وقت‌ها شما شاهد بودید که از فضا‌های مختلف مدام اعتراضات و نقدهایی به آن وارد می‌شود. همین طری‌که آقای افخمی داشتند هم قبلا به اسم دعوت نحس بود و زمانی که آن را به شورای طرح و برنامه‌ریزی بردیم، یکی از واکنش‌های اصلی روی بعد مذهبی کار بود، البته این‌که شما از قضاوت‌های مثبت و منفی پرسیدید باید بگویم گاهی این صحبت‌ها دقیق هستند و می‌شود به آن جواب داد اما وقت‌هایی از جنسی هستند که انگار آن طرف‌کار را به دقت ندیده است یا فقط از روی چند قسمت می‌خواهد قضاوت کند. من این اتفاق را در مورد یکی از منتقدان معروف هم دیدم که انگار برای بیان این حرف‌ها تنها چند قسمت را دیده و عجولانه در مورد سریال صحبت می‌کند.

**و این شما را اذیت می‌کند؟**

به هر حال دین و شنیدن این دست نقد و حرف‌ها آدم را ناراحت می‌کند چرا که شمای نوعی که می‌خواهید نقد کنید حداقل کار را با دقت ببینید و ابعاد مختلف آن را دریا‌باید و بعد هم نقدتان را انجام دهید. این بعد است که مقداری اذیت‌کن می‌شود و فشارهایی را به همراه دارد.

**در احضار چقدر با آن روبه‌رو شدید؟**

زید، چون گفتم منتقدان مطرحی که اسم نمی‌برم واقعا ندیده کار را نقد کردند. مثلا بعد از قسمتی که دیگر همه می‌دانستند که آن شیطان است نه روح کامرانی، یکی نوشته بود که اگر او روح است پس چرا این‌طور است، یعنی کاملا معلوم بود که با سریال جلو نیامده یا سوزنش در چند قسمت اول گیر کرده است. در نتیجه مقدار زیادی از آثاتی که کار را گرفتار می‌کند، همین‌ها هستند. از سوی دیگر پیشداوری‌ها هم مساله دیگری است که به‌شدت وجود دارد. به‌عنوان مثال طرف با دیدن یک آتونس یا آرم مثبت ۱۴ انتظار دیدن مجموعه ترسناکی را دارد و بعد مدام می‌گوید پس چرا این کار ترسناک نیست؟ ما بارها توضیح دادیم که بخش مثبت چهاردهی که می‌زنیم صرفا به دلیل ترسناک بودن نیست بلکه چون در آن سکانس بحث‌هایی است که گروهی از مخاطبان دوست ندارند فرزندشان به آن وارد شود مثل جن روح و... این اطلاع‌رسانی را می‌کنیم و حتی توضیح می‌دهیم که در برخی مجموعه‌های غربی یا ایرانی ممکن است صحنه‌ای مربوط به مواد مخدر باشد و در آن از همین شیوه اطلاع‌رسانی استفاده می‌کنند. اتفاقی که باز هم همان سؤال را از طرف خیلی‌ها به همراه دارد که چرا ترسیدیم!